National Conference on the Third Millennium and Humanities
همایش ملی هزاره سوم و علوم انسانی
tmh2015.ir
شیراز خردادماه ۱۳۹۴

بررسی تاثیر قرض الحسنه بر قاچاق کالا

مهدی جعفری[۱]، روح اله عبادی [۲]، عبدالله شهبازی [۳]

[۱]دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، دانشگاه مفید، mahdi.jfr@gmail.com
[۲]پژوهشگر،کارشناس ارشد علوم اقتصادی، نویسنده مسئول، ebadi.ro@gmail.com

چکیده

چنانچه بخش اقتصاد رسمی توان جذب کامل نیروی کار را نداشته باشد بخش اقتصاد غیر رسمی بازار جذابی برای جذب نیروی کار به دلیل سودآوری بالقوه خواهد بود و همچنین هر چه مقامات اجرایی توان کافی برای مقابله با این پدیده شوم که آثار مخربی بر اقتصاد ملی دارد را نداشته باشند اشتغال در این بخش افزایش خواهد یافت. از آن‌جا که یکی از انگیزه‌های اصلی شاغلین در بخش اقتصاد غیر رسمی، نداشتن سرمایه کافی برای ایجاد یک کسب و کار در راستای قوانین کشور می‌باشد، قرض الحسنه می‌تواند این خلاء مهم را برطرف کرده و انگیزه تولید در اقتصاد رسمی را افزایش دهد تا کشور از آثار این پدیده بر اقتصاد ملی در امان بماند و هم با گسترش قرض الحسنه، بیکاری که یکی دیگر از انگیزه‌های گرایش به اقتصاد غیر رسمی می‌باشد کاهش یابد. بنابراین با گسترش قرض الحسنه، اقتصاد غیر رسمی از رونق می‌افتد.

واژگان کلیدی: قرض الحسنه، تولید، قاچاق، اشتغال

مقدمه:

علم اقتصاد دارای شاخه‌های متعددی مانند اقتصاد خرد، اقتصاد کلان، اقتصاد رفاه و... می‌باشد. اما شاخه‌ای از این علم تحت عنوان اقتصاد غیر رسمی قابل بررسی می‌باشد. اقتصاد غیر رسمی یک پدیده اقتصادی-اجتماعی مهمی است که به دلیل گریز از پرداخت مالیات و با هدف کسب سود انجام می‌گیرد. به طور کلی مجموعهٔ فعالیتهای اقتصادی ، در بخشهای تولیدی و خدمات ، توسط شهروندانی که کوشش می کنند خارج از مقررات و چارچوب‌های تعیین شده برای اقتصاد رسمی، به منظور کسب درآمد بیشتر، نیازهای خود را تأمین کنند قاچاق نامیده می‌شود.

تجارت غیر قانونی کالا ازجمله موارد بیمارگونه و شناخته شده در مبادلات تجاری است که زیانهای پیدا و پنهان فراوانی را بر پیکره اقتصاد کشور ها وارد نموده و در شبکه اقتصاد جهانی اختلال ایجاد کرده است.گفته می شود درایران بیش از هزار میلیارد تومان پول در شبکه قاچاق کالا جریان دارد که دقیقا برابر رقم کسری بودجه دولت در سال ۱۳۷۶ می باشد. آمار غیر رسمی نشان می دهد که سالیانه بیش از دو میلیارد تومان کالا از طریق قاچاق مرزی وارد کشور می شود، بی آنکه سهمی از درآمد آن وارد خزانه دولت شود(پوران،۱۳۸۸:۳-۲).

بنابراین تجارت غیرقانونی کالا، از مهمترین مشکلات در مبادلات تجاری محسوب می‌شود و اثرات سویی بر اقتصاد ملی وارد می کند. قاچاق کالا انگیزه افراد لایق و توانمند را در زمینه تولید و فعالیت اقتصادی سالم از بین می‌برد زیرا با ورود کالاهای قاچاق با قیمت تمام شده کمتر، تولید کنندگان داخلی نمی‌توانند رقابت کنند. در نتیجه، رکود در تولید و به دنبال آن بیکاری افزایش می‌یابد و از طرف دیگر انگیزه فعالیت اقتصادی سالم را ازبین می‌برد.

ازآنجایی که مکتب اسلام ریشه اصلی بسیاری ازمشکلات اقتصادی را توزیع ناعادلانه درآمدها می داند، از این رو در این مکتب توجه ویژه‌ای به رفع این معضل اجتماعی- اقتصادی شده است. قرض الحسنه می تواند سهم مؤثری در تأمین این هدف داشته باشد. چون در جامعه اسلامی وام دهنده قسمتی از درآمد قابل تصرف خود را به قرض الحسنه اختصاص می دهد، بنابراین انتظار می رود که استمرار آن باعث گرددکه در هر مقطع زمانی سهمی از درآمد ثروتمندان دراختیار نیازمندان قرار گیرد. از طرف دیگر، تفاوتهای اصلی نظریه های اقتصاد اسلامی با نظریه های اقتصاد سنتی توجه به وجود جهان پس از مرگ و انگیزه های افراد برای تخصیص بخشی از امکانات خود به آن جهان است . در زمینه استفاده از پول که یکی از بحث برانگیزترین فعالیت افراد است، نیز این بحث قابل توجه است. افرادی که اعتقاد اسلامی بیشتری دارند، سعی می کنند به دستورات شرع مانند استفاده از پول مازاد خود برای اعطای قرض الحسنه استفاده کنند واز دادن وام با سود یا بهره(ربا) خوداری کنند.

کاهش نرخ اشتغال در اقتصاد رسمی ، افزایش نرخ اشتغال در اقتصاد غیر رسمی و قاچاق کالا است. بنابراین قاچاق، منجر به کاهش تولیدات داخلی ، افزایش بیکاری و مشکلات ناشی از آن می شود. از آنجا که پس انداز از یک‌سو منجر به کاهش افزایش تولید و از سوی دیگر افزایش اشتغالزایی و ارزش افزوده داخلی را به همراه خواهد داشت. بنابراین در این مقاله کوشش خواهد شد تا نشان دهیم که قرض الحسنه می‌تواند ابزاری برای ایجاد انگیزه به سوی فعالیت‌های اقتصادی سالم باشد تا افراد نیازمند نیز بتوانند با استفاده از آن اقدام به کسب و کار حلال نموده و باعث افزایش تولید در جامعه گردند تا دیگر انگیزه ای برای قاچاق کالا ها وجود نداشته باشد.

قرض در لغت

قرض در لغت به معنای قطع کردن با دندان است ، بنابرین قرض نوعی قطع کردن و جدا کردن است. زمانی گفته می شود فردی به فرد دیگر قرض داده است که قرض دهنده مالی را از خود جدا کرده و به دیگری دهد(فضل بن الحسین،۶۰۶/۲). اما وام را نیز قرض می گویند به این جهت که شخص رابطه ملکیت بخشی از اموال را با خود قطع کرده و به دیگری می دهد به نیّت اینکه مال یا بدل آن را در آینده به او بدهد.

قرض دراصطلاح فقهی :

تحریر الوسیله قرض را چنین تعریف می کند:

قرض آن است که کسی مال خود را به دیگری تملیک کند. البته بدین صورت که قرض گیرنده نسبت به ادای خودِآن مال یا مثل و یا قیمت آن ضامن شود و تعهد کند(امام خمینی،۶۲۵/۱).

پیرامون این تعریف فقهی باید به نکات زیر توجه کرد:

۱- از آنجا که قرض نوعی تملیک است ،یعنی قرض دهنده مالکیت مال خود را به قرض گیرنده انتقال می دهدکه در صورت تلف شدن مال قرض گیرنده ضامن است. بر خلاف بسیاری از عقود مشارکت(مضاربه، مساقات، مزارعه و ...) که انتقال ملکیت تحقق نمی یابد و بدین سبب طرف قرارداد اگر کوتاهی نکرده باشد، ضامن نیست.
۲- قرض ازعقود لازم است ؛ یعنی در صورت تعیین مدت ، قرض دهنده وقرض گیرنده حق تخلف ندارند(امام خمینی،۶۵۳/۱).

۳- قرض به موضوعات خاصی اختصاص ندارد، تنها معیّن و دارای ارزش مبادله ای بودنِ موضوع ملاک است(امامی،۱۹۴/۲).

۴- ذکر مدت از ارکان قرض نیست، بدین سبب اگر مدت ذکر نشود ، قرض دهنده می تواند هر زمان که بخواهد مالش راپس بگیرد. اما اگرمدت تعین شود،عمل به آن لازم است(عبداللهی،۱۳۷۱:۲۸۴).

۵- قرض عقدی است که در آن مال به رایگان به طرف مقابل داده نمی شود، بلکه قرض گیرنده، مثل یا قیمت(معادل مالیّت) آن را ، ضمانت می کند. بنابراین مانند خرید و فروش نیست که پول و کالا مبادله گردد؛ بلکه در برابر واگذاری مال، قیمت و مثل آنچه قرض گرفته شده به عهدهٔ قرض گیرنده قرار می گیرد(عبداللهی،۱۳۷۱).

قرض الحسنه در متون اسلامی :

الف) قرآن کریم

آیاتی که در آنها عنوان « قرض حسن » مشاهده می شود . عبارت است از: «بقره- ۲۴۵؛ مائده- ۱۲؛ حدید – ۱۱و ۱۸ ؛ تغابن – ۱۷؛ مزمّل-۲۰» که در اینجا به ترجمهٔ دو مورد آنها اشاره می کنیم.

« خداازبنی اسرائیل پیمان گرفت واز آنها،دوازده نقیبه[سرپرست] برانگیخت.وخداوند[به آنها] گفت: من با شماهستم،اگرنماز به پا داریدوزکات بپردازید، به رسولان من ایمان آوریدوآنها رایاری کنیدوبه خدا قرض حسن بدهید[در راه اوبه نیازمندان کمک کنید]،گناهان شما را می پوشانم [می بخشم] و شما را در باغ هایی از بهشت ، که نهرها از زیر درختانش جاری است وارد می کنم. اما هر کس از شما بعد از این کافر شود از راه راست منحرف گردیده است.»(مائده آیه ۱۲ ، ترجمه ناصر مکارم شیرازی).

« کیست که به خدا قرض الحسنه بدهد[واز اموالی که خدا به او بخشیده انفاق کند] تا آن را برای او چندین برابر کند؟ وخداوند است که روزی بندگان را محدود یا گسترده می سازد[و انفاق هرگز باعث کمبود روزی آنها نمی شود] و به سوی او باز می گردید.(وپاداش خود را خواهید گرفت)»(بقره آیه ۲۴۵، ترجمه مکارم شیرازی) .

ب) روایات

با توجه به نکات زیر، مطلوبیت قرض در روایات امری مسلم است.

۱- روایاتی وجود دارد که از قرض ندادن به برادر ایمانی ، در صورت توانایی نهی کرده است. پیامبر اکرم (ص) فرمود:« کسی که برادر مسلمانش ، برای قرض گرفتن ، به وی رو آورد و او نیز قادر باشد ولی قرض ندهد ، خداوند از بهشت محرومش می سازد.»

۲- روایاتی موجود است که به ثواب فراوان قرض اشاره می کندو بسیاری از آنها قرض را از صدقه برتر می شمارد. پیامبر اکرم فرمودند:« شب معراج بر در بهشت این نوشته را دیدم:صدقه ده برابر و قرض هجده برابر پاداش دارد.»(محمد باقر مجلسی،۳۶۸/۶۹).

۳- روایات،یکی از دلایل حرمت ربا را رواج قرض در بین مردم بیان می کند و می گوید دلیل تحریم ربا آن است که ربا به ترک قرض از مردم می انجامد و این امر(ترک قرض) نزد خداوند نامطلوب است(حر عاملی،۳۲۹/۲).

جایگاه قرض الحسنه در اقتصاد اسلامی

قرض به عنوان یک عقد، از احکامی ویژه برخورداراست و دین ضمن امضای این قرار داد عقلایی، اموری چون عدم ربا را شرط درستی آن دانسته است. قرض الحسنه نیز از نظر فقهی و حقوقی درشمار عقد قرض جای دارد واز احکام آن بهره می برد، ولی بستر تحقق آن ویژگی‌هایی دارد که آن را از دیگر موارد قرض جدا می سازد. هدف الهی داشتن وام دهنده و توجه او به پاداش آن دنیا و نیز پرهیز از وام گرفتن برای نیازهای غیر ضروری بخشی از این ویژگی هاست. هر چند قرض به عنوان یک ابزار سرمایه گذاری مورد توجه است ،اما جهت گسترش کمک رسانی به کسانی که ناتوان هستند ،یک فرصت ویژه شمرده می شود.(درسهایی در اقتصاد اسلامی،۱۳۸۴:۸۸) بنابراین هر چند «قرض الحسنه» از نظر فقهی و حقوقی دارای ارکان « قرض» است ؛ ولی خصوصیاتی دارد که شناخت آن می تواند ضمن آشکار ساختن تفاوت قرض و قرض الحسنه ما را در تحلیل آثار این رفتار یاری کند. ویژگیهای قرض الحسنه در دو بخش وام دهنده و وام گیرنده قابل بررسی می باشد.

ویژگی وام دهنده:

قرض الحسنه از منظر وام دهنده در زمره رفتار های اقتصادی که با انگیزه سود انجام می شود مانند بیع، مشارکت ، مضاربه و ... قرار نمی گیرد بلکه از رفتارهایی است که انگیزه الهی عامل اصلی تحقق آن است. در قرض الحسنه، قرض دهنده امیدی به دریافت سود ندارد زیرا سود در آن نه تنها موجب حرمت (و به نظر برخی موجب بطلان) معامله می گردد بلکه ماهیت آن را عوض نموده و آن را به معامله ربوی تبدیل می کند. صدقه و کمکهای بلا عوض اگر چه مورد تاکید اسلام قرار گرفته و عملی پسندیده می باشد، اما چون ممکن است در برخی موارد از سوی دریافت کنندگان کمکها مورد سوء استفاده قرار گرفته و فردکمک گیرنده را از فعالیت اقتصادی باز دارد. از این رو قرض الحسنه برصدقه ترجیح داده شده است(ر.ک نوری،۳۹۵/۱۳) تا گیرنده قرض را ناگزیر به تلاش برای بازپرداخت آن کند.وام دهنده بنابه انگیزه‌هایی اقدام به این عمل می نماید که می توان این انگیزه ها را چنین برشمرد: پاداش اخروی ،کسب اخلاق پسندیده ،نوع دوستی، پس انداز .

ویژگی وام گیرنده:

نیازمند بودن وام گیرنده در قرض الحسنه، اصلی مهم است. چنانکه در روایات داریم ، اگر قرض گرفتن برای رفع نیاز های ضروری نباشد، امری ناپسند شمرده می شود.

«قرض گرفتن اگر با نیاز همراه نباشد مکروه است و هرچه بر نیاز فرد افزوده شود از کراهت آن کاسته می شود.»(امام خمینی،۶۰۲/۱).

«قرض گرفتن، مکروه [و ناپسند] است مگر زمانی که ضرورتی آن را لازم سازد. پس در صورت اختیار، وام گرفتن شایسته نیست.»(شیخ طوسی،۳۰۴/۱).

البته این نیاز ضروری نباید ریشه در کم کاری و سستی فرد داشته باشد. انسان باید به اندازه کافی تلاش کند؛ ولی چنانچه کوشش هایش به عللی به رفع نیاز های ضروری اش نیانجامد، می تواند قرض بگیرد.

« کسی که در پی روزی حلال برود، اما در زندگی درمانده شود، خوب است وام بگیرد. خدا و رسول او را (در باز پرداخت آن) یاری خواهند داد.»(حر عاملی،۸۱/۱۳ و ۹۱).

این نکته باعث می شود که افراد جامعه راه های طبیعی رفع نیاز را فراموش نکنند و اندیشهٔ زندگی از راه قرض را در سر نپرورانند. زیرا اسلام قرض را تعاون و یاری می داند نه شغل یا معامله.

البته توجه به دو نکتهٔ مهم ضرور ی است:

۱- بیشتر روایات نشان می دهند که موارد قرض الحسنه بیشتر در امور ضروری(امور مصرفی) است و در امورغیرضروری(امورتولیدی) کمتر از آن استفاده می شود.

۲- رفع نیازهای ضروری یک فرد، به مبالغ هنگفت ، که معمولاًدر امور تولیدی مطرح است ، نیاز ندارد. بدین سبب قرض الحسنه در مبالغ درشت از مطلوبیت کمتری برخوردار است(ابراهیمی،۲۸).

آثار اقتصادی قرض الحسنه

الف) قرض الحسنه و توزیع درآمد

ازآنجایی که مکتب اسلام ریشه اصلی بسیاری ازمشکلات اقتصادی را توزیع ناعادلانه درآمدها می داند، قرض الحسنه می تواند سهم مؤثری در تأمین این هدف داشته باشد. چون در جامعه اسلامی وام دهنده قسمتی از درآمد قابل تصرف خود را به قرض الحسنه اختصاص می دهد، بنابراین انتظار می رود که استمرار آن باعث گرددکه در هر مقطع زمانی سهمی از درآمد ثروتمندان دراختیار نیازمندان قرار گیرد. علاوه بر آن تأثیر قرض الحسنه بر توزیع نابرابر درآمدها دارای ویژگی‌هایی است که برخی از آنها عبارتند از:

۱- قرض الحسنه برخلاف مالیاتها سبب انتقال درآمد افراد به دولت نمی شود. بنابراین تخصیص بهینه آنها در جهت عدالت اجتماعی منوط به وجود برنامه های مناسب در چارچوب بودجه عمومی نیست.

۲- قرض الحسنه با مبانی توزیع درآمد در اسلام ، هماهنگی کامل دارد.چون با رعایت احترام به مالکیت خصوصی اعطاء کننده‌ی وجوه و به اختیار او چنین رفتاری صورت می‌گیرد.در واقع مصرف کننده مسلمان، درآمد خود را با توجه به مطلوبیت های مختلف به مصرف خود و خانواده، سرمایه گذاری و مصرف نیازمندان جهت بهره مندی از ثواب معنوی و اخروی تقسیم می کند.

۳- اختصاص مبلغ وام گرفته شده توسط قرض گیرنده‌ها به خرید کالاهای ضروری و اساسی، زمینه ای را بوجود می آورد که منابع موجود از تولید کالاهای لوکس به سوی تولید کالاهای ضروری سوق داده شود. بنابراین انتظار می رود که قرض الحسنه ، الگوی تولید را نیز متناسب با نیاز جوامع تغییر دهد.

۴- قرض الحسنه شاخص های یک توزیع مطلوب را داراست. زیرا اولاً: انگیزه های تلاش برای تولید بیشتر و رشد از بین نمی رود. ثانیاً: قرض الحسنه پس ازاعمال ساز وکار قیمت‌ها در محدودهٔ تولیدات مباح مطرح می شود و بنابراین مانع عملکرد این ابزار در اقتصاد جامعه نمی‌گردد. ثالثاً: ازآنجایی که «نیاز» به عنوان یکی از ارکان قرض الحسنه مطرح است، بنابراین درراستای ایجاد زندگی مناسب وتأمین نیازهای اساسی آحاد جامعه می باشد.

۵- در وام های قرض الحسنه تولیدی نیز به نیازمندان کمک می شود تا در عوامل تولید و در نتیجه ارزش افزوده آن سهیم باشند و با تحریم ربا انتظار می رود که سهم آنان نیز افزایش یابد. در واقع قرض الحسنه‌های تولیدی شرایطی را به وجود می آورند که حتی به وسیله ساز و کار بازار سهم بیشتری به افراد نیازمند از ارزش تولید تعلق بگیرد و در نتیجه توزیع مناسب‌تردرآمدها را می توان انتظار داشت.

ب) قرض الحسنه و مصرف :

عوامل متعددی بر مصرف مؤثرند که مهمترین آنها ، درآمد قابل تصرف جاری، ثروت ، درآمد دائمی ،توزیع درآمد، نرخ بهره، سطح قیمتها، انتظارات، تسهیل اعتبارات مصرفی و ... می باشند. البته درآمد قابل تصرف جاری،ثروت،درآمد دائمی،توزیع مناسب درآمدها وتسهیل اعتبارات مصرفی،رابطه مستقیم و نرخ بهره و سطح قیمت‌ها رابطهٔ معکوس با مصرف دارند؛ (حبیبیان،۱۵۸:۱۳۸۲) بنابراین تأثیر مثبت (منفی) قرض الحسنه بر عوامل نوع اول، موجب افزایش (کاهش) مصرف واثر مستقیم (معکوس) آن برعوامل نوع دوم،موجب کاهش (افزایش) مصرف خواهد شد.

در جامعه اسلامی از آنجایی که فرد مسلمان قرض را مکروه می داند و تنها در صورت نیاز متقاضی می شود،می توان انتظارداشت که با فرض ثبات سایرشرایط پس ازدریافت قرض الحسنه مصرف جاری او به طور مقطعی افزایش یابد، ولی چون باید وام مزبور را به صورت اقساط در دوره های بعد باز پرداخت نماید ودر واقع بخشی از درآمدهای دوره های بعد را به باز پرداخت وام اختصاص دهد، انتظار می رود میزان مصرف او در ماههای آینده کاهش یابد و در مجموع مصرف حال و آینده به واسطه قرض الحسنه تغییر نکند. البته این استنتاج در صورتی صحیح است که وام گیرنده وادار به تلاش بیشتر برای کسب درآمد بالاتر در دوره های بعد نگردد.بنابراین اگر با تلاش بیشتر و یا هر طریق دیگر ، گیرندگان وام بتوانند درآمد خود را در دوره‌های بعد افزایش دهند ویا وجوه مزبور را در امور تولیدی و کسب سود به کار گیرند، انتظار می رود که وام های قرض الحسنه ، افزایش مصرف را در پی داشته باشد.

ج) قرض الحسنه و پس‌انداز:

پس انداز در واقع ترجیح فایدهٔ نهایی مصرف و قدرت خریدآینده به حال است، بنابراین پیش بینی افراد از آینده ودر واقع میزان بازدهی پس انداز در آینده، براین رفتار بسیار مؤثر می‌باشد. اگر چه در علم اقتصاد متعارف، بازدهی مادی مد نظر قرار می گیرد، اما در جامعه اسلامی و در رفتار فرد مسلمان، بازدهی معنوی و اخروی می تواند از عوامل مؤثر در تصمیم گیری‌ها باشد. فرد مسلمان درآمد قابل تصرف را به مصرف حال (مصرف شخصی، صدقات، انفاقات و....) و پس انداز تقسیم می کند و چون قرض ربوی حرام است، پس انداز را نیز به دو قسم می کند.

۱) قرض الحسنه

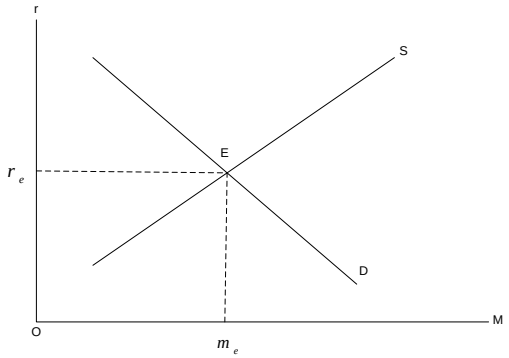
۲) سرمایه گذاری و مشارکت برای کسب سود.

از آنجایی که ثواب زیادی برای قرض الحسنه در متون اسلامی ذکر شده است، انتظار اختصاص بخشی از پس انداز به این عمل پسندیده خلاف واقع نیست.

قرض‌الحسنه و تولید

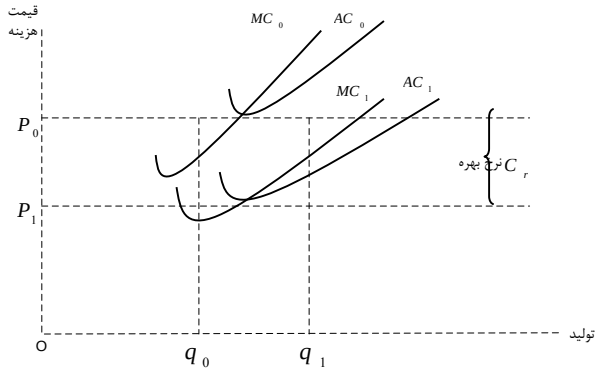
قرض الحسنه تولیدی در ایجاد اشتغال و بالا رفتن تولید اهمیت بسیار دارد.در واقع چنین ابزاری می تواند سبب استفاده ازانگیزه های معنوی و اخروی در کاهش بیکاری و نیز افزایش تولید می شود. (هادوی،۲۴۳:۱۳۷۸)

از دیدگاه اقتصاد خرد، تولیدکننده همیشه در پی حداکثر کردن سود اقتصادی است. سود مابه التفاوت درآمد کل و هزینه کل به شمار می‌رود. این سود، هنگامی به حداکثر می‌رسد که قیمت محصول، با هزینه نهایی برابر باشد P=MC. حال اگر فرایند تولید را بلند مدت فرض کنیم، یکی از اقلام تشکیل دهنده هزینه نهایی (MC) نرخ بهره است که تولیدکننده به ازای هر واحد اضافی می‌پردازد. این نرخ بهره طبق نمودار شماره (۱) به دست می‌اید .



نمودار(۱)

این نمودار، نرخ بهره تعادلی در نظام بهره را بر اساس الگوی کینزی یا نئوکلاسیک‌ها نشان می‌دهد. اگرS و Dبه ترتیب، منحنی‌های عرضه و تقاضای پول باشند، نمودار، بازار پول بر اساس نظریه رجحان نقدینگی کینز را نشان می‌دهد، و اگر کل وجوه عرضه شده و کل وجوه تقاضا شده برای استقراض باشد، الگوی وجوه استقراض نئوکلاسیک را می‌نمایاند. محل تقاطع منحنی‌های S وD ، نرخ بهره تعادلی (re)را مشخص می‌سازد. حال اگر تولیدکننده بر اساس وام دریافتی که به ازای آن، نرخ ثابت و معینی را می‌پردازد، وارد تولید کالا شود، هزینه‌های تولیدی او به میزانی که نرخ بهره می‌پردازد، بالا خواهد رفت؛ در صورتی که اگر به جای نرخ بهره از»قرض الحسنه» به عنوان جایگزین استفاده کند، این بخش از هزینه‌ها حذف شده؛ در نتیجه توابع هزینه به همان اندازه (Cr)کاهش می‌یابد. مطابق نمودار(۲)، هزینه نهایی (۱ MC)و متوسط (۱ AC)تولیدکننده استفاده‌کننده از قرض الحسنه در هر سطحی از تولید، از تولیدکننده استفاده‌کننده از وام با بهره (ACo , MCo)پایین تر است و اثر آن در دو مسئله مهم پدیدار می‌شود(ماجدی، ۲۱۸:۱۳۷۳)



نمودار(۲)

۱. تولیدکننده استفاده‌کننده از قرض‌الحسنه در سطح قیمتPo ، می‌تواند تولید خود را تا سطح q1 افزایش دهد؛ در حالی که چنین امکانی برای تولیدکننده استفاده کننده از وام بهره ای وجود ندارد.

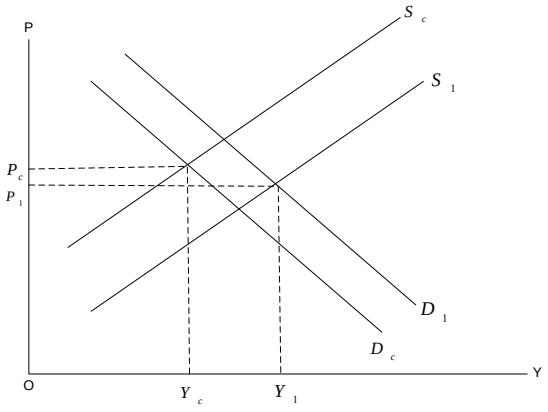
۲.اگر قیمت بازار برای کالاهای مورد نظر به عللی، کاهش یابد و از سطح Po به P1 برسد، تعطیلی برای تولیدکننده استفاده‌کننده وام بهره‌ای اجتناب ناپذیر است؛ در حالی که تولیدکننده استفاده‌کننده از قرض‌الحسنه می‌تواند تا قیمت P1 به تولید ادامه دهد. این توضیح لازم است که تحلیل پیشین بر اساس هزینه‌های تحقق یافته است، نه بر اساس هزینه فرصت؛ چرا که هزینه فرصت، به نوع تأمین مالی ارتباط ندارد. به عبارت دیگر برای تصمیم به سرمایه‌گذاری برای تولید،

ملاک هزینه‌های فرصت است و چه بسا این هزینه‌ها در هر دو شیوه تأمین مالی تفاوتی نداشته باشد؛ اما در مقام عمل هزینه‌های تحقق یافته برای تولیدکننده پایین بوده، در نتیجه در عرصه اقتصاد واقعی به ویژه در مقام رقابت، نه از جهت مقدار تولید و قیمت فروش، انعطاف پذیری بیش‌تری دارد و استوارتر خواهد بود. (توتونچیان، ۹۶:۱۳۷۲)

اما همان طور که قبلاً گفته شد، استفاده از قرض‌الحسنه برای تأمین مالی، چه در سیستم بانکداری اسلامی و چه به صورت شخصی توسط خود افراد، زمانی صورت می‌گیرد که فرد وام گیرنده توانایی بازپرداخت سود را ندارد؛ بنابراین آن‌چه در مورد کاهش هزینه‌های تولید گفته شد تنها به واحدهای کوچک تولیدی که امکان بازپرداخت سود را ندارند و یا افرادی از گروه‌های پایین درآمدی که قصد احداث واحدهای تولیدی کوچک و یا متوسط را دارند تعلق می‌گیرد. پس استفاده از وام‌های قرض‌الحسنه برای این دسته از تولیدکنندگان به دو صورت بر توزیع درآمد مؤثر است: اولاً: با توجه به افزایش قدرت رقابت از جهت مقدار تولید و قیمت فروش و افزایش انعطاف‌پذیری واحدهای تولیدی مذکور، امکان حضور، بقا و تداوم این تولیدکنندگان در عرصه اقتصاد واقعی افزایش می‌یابد. بنابراین با تداوم جریان درآمدی این بنگاه‌ها و کسب سود توسط آنها با توجه به این که تولیدکنندگان مذکور را عموماً گروه‌های پایین درآمدی تشکیل می‌دهند، توزیع درآمد تدریجاً بهبود می‌یابد. ثانیاً: با تثبیت سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی در بین گروه‌های پایین درآمدی که قبلاً به صورت نرخ بهره به صاحبان سرمایه‌ها و پس‌اندازها تعلق می‌گرفت، توزیع درآمد در میان این افراد بهبود می‌یابد .

کاهش هزینه تولید طبق آن‌چه توضیح داده شد، افزایش سرمایه‌گذاری و افزایش تولید را در بر دارد. در واقع آن دسته از گروه‌هایی که قبلاً به دلیل بالا بودن هزینه‌های تولید و عدم دسترسی به منابع تأمین مالی ارزان، امکان تولید و سرمایه‌گذاری را نداشتند، حال با استفاده از منابع قرض‌الحسنه به تولید روی می‌آورند، در نتیجه استفاده از قرض‌الحسنه در تأمین مالی این بنگاه‌ها به افزایش تولید می‌انجامد. اثر اقتصادی دیگر افزایش سرمایه‌گذاری که در حقیقت بر افزایش تولید پیشی دارد، افزایش اشتغال نهاده‌های تولیدی است. در حین افزایش تقاضای سرمایه‌گذاری، زمینه برای فعال شدن دیگر منابع تولید مثل زمین، مواد اولیه، نیروی انسانی و ... که بدون استفاده باقی مانده بودند، فراهم می‌اید .

با توجه به مطالب پیشین انتظار داریم با جایگزینی سیستم تأمین مالی قرض الحسنه در برخی موارد به جای سیستم تأمین مالی نظام بهره و یا سیستم مبتنی بر سود، در پی بالارفتن اشتغال و تولید کل، عرضه کل نیز افزایش یافته، به سمت راست منتقل می‌شود. (نمودار شماره۳)



نمودار(۳)

این مطالب از دیدگاه خرد هم قابل توجیه است چون با کاهش هزینه‌ها (حذف هزینه بهره)، تولید هر بنگاه فزونی گرفته، با انتقال منحنی عرضه به وضعیت S1، سطح عمومی قیمت‌ها کاهش می‌یابد؛ البته در اثر بالا رفتن اشتغال که خود منجر به بهبود توزیع درآمد می‌گردد، انتظار داریم که منحنی تقاضای کل به سمت راست(D1) منتقل شود؛ اما در مجموع قیمت‌ها پایین می‌اید(موسویان، ۵۹:۱۳۸۱).

بنابراین نرخ بهره یکی از مهمترین عوامل در بخش هزینه بنگاه‌ها محسوب می‌شود بنابراین با تحریم ربا در اسلام و تاکید بر قرض الحسنه، بخش زیادی از هزینه‌های بنگاه‌ها کاهش می‌یابد.

اثرات قاچاق بر اقتصاد

قاچاق پدیده‌ی مخربی است که صدمه فراوانی بر پیکره اقتصاد کشور وارد می کند. این پدیده برنامه ها وسیاستهای توسعه اقتصادی را مختل ساخته و منجر به کاهش تولیدات داخلی ، افزایش بیکاری و مشکلات ناشی از آن می شود.به طور کلی اثرات منفی قاچاق کالا را می توان به چهار دسته اصلی تقسیم نمود:

الف: آثار قاچاق بر اقتصاد و سیاستهای اجرایی دولت:

پدیده قاچاق آثار منفی بر سیاستهای اجرایی دولت نیز دارد، چرا که دولت برای کمک به رشد اقتصادی و صنعتی کشورغالباً سیاستهای حمایت از صنایع داخلی خصوصاً نوپا را اتخاذ می کند. کالاهای مشابه خارجی که به صورت قاچاق وارد کشور می شوند،به علت نپرداختن حقوق گمرکی و سود بازرگانی (حقوق ورودی) قیمتی پایین تر از کالاهای تولید داخلی دارند.در نتیجه رقابت برای صنایع داخلی حتی در بازار های داخلی دشوار می شود وچه بسا به زیان دهی ،ورشکستگی ودر نهایت تعطیلی فعالیت واحد های تولیدی و صنعت بیانجامد که این مسائل نیز موجب بیکاری افراد مشغول به کار در این واحدهای تولیدی می شود و نیز رکود فعالیتهای صنعتی را به دنبال خواهد داشت.ایجاد رکود جریان آتی سرمایه گذاری را نیز دچار اختلال می کند.بنابراین ورود کالای قاچاق سیاستهای اجرایی دولت را مختل ساخته و به عنوان تهدیدی برای تولیدات داخلی که توان کافی برای رقابت با تولیدات مشابه خارجی ندارند،محسوب می شود.این پدیده باعث می شود که سیاستهای اجرایی دولت کم اثرو حتی در برخی موارد بی اثر شده ونتوانند اهداف مورد نظر خود را براورده سازند.قاچاق کالا همچنین به بازار ارزی کشور نیز اثرات منفی دارد، بدین صورت که قاچاق کالا به علت افزایش تقاضای ارزدر بازار آزاد جهت واردات غیر قانونی کالا موجب به هم خوردن تعادل عرضه و تقاضای ارز شده و نرخ ارز را افزایش می دهدکه این امر فشارهای زیادی به پول رسمی کشور وارد می کند و باخود آثار تورمی زیادی را به دنبال دارد. (آقازاده،۱۳۸۵:۲۸-۲۷)

ب: آثار منفی قاچاق بر سیاستهای بازرگانی:

قاچاق کالا توازن در تراز بازرگانی خارجی کشور را برهم می زند.دولت با در نظر گرفتن پارامترهایی از قبیل سپرده های ارزی، درآمدهای ارزی سالانه و نیازهای وارداتی کشور و... با اهداف ایجاد توازن در تراز بازرگانی و پرداخت بدهی های خارجی ، یک سری سیاستهای تجاری اتخاذ می کند که بر مبنای آن، حجم و ارزش صادرات و واردات کشور معین می شود.صادرات و واردات غیر قانونی اهداف مذکور را غیر قابل تحقق می نماید.زیرا اولاً واردات غیر رسمی یا قاچاق به هر حال برای اقتصاد ملی هزینه ارزی در بر دارد و این هزینه خارج از محاسبات دستگاه سیاستگذار، بر اقتصتد کشور تحمیل می شود. ثانیاً صادرات غیر رسمی یا قاچاق ، اهداف دولت در زمینه نظارت بر ارز را با اشکال مواجه می سازد؛ زیرا ارزش کالای قاچاق صادراتی و وارداتی در حسابهای ملی و موازنه بازرگانی خارجی کشور منظور نشده و در نتیجه اطلاعات مربوط به موازنه تجارت کشور با سایر کشورها را مخدوش می کند .بنابراین از یک سو قاچاق کالا باعث افزایش بیش از حد هزینه واردات مورد نظر دولتمردان می شود و در توازن ارزی به طور غیر مستقیم تاثیر منفی دارد و ازسوی دیگر به دلیل مصرفی و غیر ضروری بودن اغلب کالاهای قاچاق وارداتی نه تنها تولید ناخالص داخلی رشد پیدا نمی کند بلکه به الگوی مصرف جامعه نیز اثر نامطلوب دارد و تولیدات صنایع داخلی را نیز در بازار داخلی با رقابت فشرده تری مواجه می کند. در نتیجه قاچاق کالا ، سیاستهای بازرگانی را هدف قرار داده و براین سیاستها خدشه وارد می سازد و موجب می شود توازن تجاری مورد نظر برای بازرگانی خارجی در حد و اندازه مورد انتظار دولت تحقق نیابد. (آقازاده،۱۳۸۵:۲۹-۲۸)

ج: آثار منفی قاچاق بر درآمدهای عمومی دولت:

همانطور که می دانیم یکی از منابع مهم درآمدی دولت، درآمد حاصل از کالاهای وارداتی است. پدیده قاچاق موجب می شود که درآمد دولت از این محل ، کاهش یابد. به عبارت دیگر قاچاق کالا وارداتی به معنای محرومیت دولت از درآمد مسلم خویش است .این موضوع در کشوری چون ایران که دولتش همواره دچار کسری بودجه است و مجبور است بدهی های خود را از محل درآمدهای نفتی جبران کند، اهمیت بسیار زیادی دارد. تامین کسری بودجه دولت از محل درآمدهای نفتی و محدودیت درآمدهای تعرفه‌ای به ترتیب موجب کسری تراز پرداختها وکسری بودجه می شود. (پوران،۹:۱۳۸۸)

بنابراین یکی از زیان های واردات قاچاق، محروم شدن خزانه عمومی از حقوق گمرکی، سود بازرگانی و مالیاتهای غیر مستقیمی است که مطابق قانون بایستی به صندوق دولت واریز شود. ورود غیر قانونی کالا موجب می شود که دولت از دریافت سود بازرگانی ، حقوق گمرکی و مالیات محروم شود. بنابراین تاثیر مستقیم بر درآمدهای دولت دارد.

د: آثار منفی قاچاق کالا بر سلامت جامعه و مصرف کنندگان:

شیوع پدیده قاچاق علاوه بر ضربه وارد کردن به تولیدات داخلی، حقوق مصرف کنندگان را نیز ضایع می کند ، با بررسی کالاهای قاچاق وارداتی موجود در بازارایران معلوم می شود که بسیاری از این کالاها فاقد ضمانت و نیز فاقد خدمات پس از فروش(نظیر تعمیرات و تامین لوازم و قطعات یدکی) در کشور هستند. در حقیقت بر اثر بی توجهی یا ناآگاهی نسبت به این مسائل، مصرف کنندگان ایرانی اجناس را که به نوعی حالت یک بار مصرف دارند خریداری می کنند. یعنی این کالاها بعد از به وجود آمدن اشکال مختصری در آنها از گردونه مصرف خارج می شوند. اگر مراکزی هم اقدام به تعمیر این گونه کالاها کنند هزینه های بالایی را برای این کار خود طلب می نمایند.در نتیجه چه بسا مصرف کنندگان ایرانی با خرید این کالاها متضرر نیز می شوند که در نهایت این مسئله به اقتصاد کشور لطمه وارد می کند.

مشکل دیگر واردات قاچاق کالا به کشور ، نبود امکان کنترل استانداردها و اعمال کنترلهای بهداشتی است.کالاهای قاچاق وارده به کشور به دلیل نبود کنترل بر روی آنها از نظر ضوابط استاندارد ملی و بهداشتی ، به منظور حفاظت از جامعه در مقابل ورود کالاهای زیان آور، خطر ناک، پرتوزا و... موجب وارد شدن زیان های فراوانی به بهداشت و سلامتی جامعه شده و مردم را در مقابل مصرف این گونه کالا ها آسیب پذیر می سازد(آقازاده،۳۰:۱۳۸۵)

ازطرف دیگر پدیده قاچاق، انگیزه افراد لایق و توانمند را در زمینه تولید و فعالیت اقتصادی می کشد؛ چرا که هر چه این افراد برای تولید واشتغال وپیشرفت، تلاش می کنند،در مقابل کارخانه های عظیم خارجی که تولیداتشان در سطح انبوه وبا قیمت تمام شده کمتری از راه قاچاق به کشورواردمی شود، نمی توانند رقابت کنند. درنتیجه، رکود در تولید وافزایش بیکاری ومهم تراز همه اینها مرگ انگیزه ها رخ می نماید که خود به تنهایی می تواند عاملی موثر برای از پا درآوردن کشور باشد. مرگ انگیزه‌ها، خود باوری ملی را که دستاوردی بس ارزشمند است نابود می کند و کاهش تولید واشتغال، استقلال اقتصادی را به خطر انداخته وکشور را به پرتگاه وابستگی سوق می دهد(افخم زاده، ۱۳۸۸:۴)

هچنین به موازات رشد مطالعات تجربی در زمینه تجارت غیرقانونی، پدیده قاچاق طی سالهای ۱۹۶۰ و پس از آن مورد توجه نظریه پردازان تجارت بین الملل قرار گرفت. اولین دیدگاه نظری در زمینه قاچاق توسط باگواتی(Bhagwati) و هانسن(Hansen) مطرح شد. نتایج تحقیقات این دو نشان می دهد که در حالت عدم همزمانی قاچاق وتجارت قانونی، قاچاق کالا به کاهش رفاه منجر می شود.البته تحت شرایط خاصی امکان افزایش رفاه نیز وجود دارد.این در حالی است که به هنگام وقوع تواmان تجارت قانونی و قاچاق، قاچاق کالا لزوما رفاه اجتماعی را کاهش نمی دهد.باگواتی و سرینیواسان(Srinivansan) در مقاله دیگری در قالب یک مدل ریاضی با تاکید بر این نکته که به هنگام محدود شدن تجارت قانونی و وجود قاچاق تحت شرایط رقابتی، قاچاق می تواند رفاه را کاهش دهد. نتایج باگواتی و هانسن را مورد تاییدقرار دادند. (پوران،۷:۱۳۸۸)

بنابراین قاچاق کالا موجب کاهش تولیدات داخلی و در نتیجه افزایش میزان بیکاری می شود و این امر تاثیر نامطلوبی بر تولید ناخالص داخلی می گذارد. قاچاق همچنین باعث می شود که انگیزه سرمایه گذاری مولد اقتصادی کاهش یابد، درنتیجه سرمایه به جای اینکه در امور مولد اقتصادی به کار بیفتد و باعث تولید و اشتغال شود، به سوی قاچاق منحرف می شود و به این ترتیب بخشی از منافع در دسترس جامعه از چرخه اقتصاد مولد خارج می شود. سرمایه گذاران در امور تولیدی، کلید رونق فعالیتهای اقتصادی ،رشد تولید ناخالص داخلی، افزایش اشتغال ،رشد درآمد سرانه و ... است. رواج قاچاق کالا، موجب می شود که سرمایه گذاری در امور تولیدی و اشتغال کاهش یابد.در نتیجه زمینه اشتغال افراد و نیز تولیدات ملی و داخلی کاهش یافته و نیز منجر به کاهش درآمد سرانه و به تبع آن گسترش بیش ازپیش فقر در جامعه می شود هر چند درآمدهای کلان و باد آورده نیز از این رهگذر نصیب قاچاقچیان می شود. گسترش قاچاق می تواند بر قیمتهای بازار داخلی اثرات نامطلوبی به جای گذارد زیرا تقاضای کل را افزایش می دهد و با محدودیت عرضه کالا به بازار،باعث افزایش سطح قیمتها و بروز فشار تورمی خواهد شد و در نهایت دشواری‌هایی را به ویژه برای اقشار آسیب پذیر جامعه در تامین نیازهای اساسی شان به وجود می آورد. (آقازاده، ۲۷:۱۳۸۵)

بنابراین بدیهی است اقتصادی که تولیدات آن بر پایه اقتصاد دانش محور نیست در تجارت خارجی نیز قدرت رقابت کمتر داشته و با ورود کالاهای قاچاق (کالاهایی که اکثراً تولید کشورهایی هستند که به دلیل برخورداری از فرآیندهای دانش محور ، ارزان قیمت تر و با کیفیت تر می باشند) ، بنگاههای تولید کننده این کالاها دچار ورشکستگی می شوند و به دنبال آن رکود و بیکاری ایجاد می شود(پوران،۱۳۸۸:۱۰-۹)

نتیجه گیری

قرض الحسنه منجر به کاهش هزینه تولید خواهد شد طبق آن‌چه توضیح داده شد و منجر به افزایش سرمایه‌گذاری و افزایش تولید خواهد شد. در واقع آن دسته از گروه‌هایی که قبلاً به دلیل بالا بودن هزینه‌های تولید و عدم دسترسی به منابع تأمین مالی ارزان، امکان تولید و سرمایه‌گذاری را نداشتند، حال با استفاده از منابع قرض‌الحسنه به تولید روی می‌آورند، در نتیجه استفاده از قرض‌الحسنه در تأمین مالی این بنگاه‌ها به افزایش تولید می‌انجامد. بنابراین قرض الحسنه تولیدی در ایجاد اشتغال و بالا رفتن تولید اهمیت فراوانی دارد. زیرا چنین ابزاری، به دلیل انگیزه های معنوی و اخروی، می‌تواند در کاهش بیکاری و نیز افزایش تولید موثر باشد.

افرادی که به دلیل بالابودن هزینه تولید و عدم دسترسی به منابع مالی ارزان، امکان تولید و سرمایه‌گذاری ندارند جذب اقتصاد غیر رسمی می‌شوند که منابع مالی زیادی نمی‌خواهد. و از آنجا که، دهک‌های پایین درآمدی که از انگیزه تولید پایینی به دلیل در اختیار نداشتن عوامل تولید(از جمله سرمایه و...) برخوردارند و تمایل بالایی به فعالیت‌های غیر تولیدی مانند قاچاق دارند. قرض الحسنه می‌تواند انگیزه لازم برای تولید به دلیل در اختیار داشتن منابع مالی ارزان در دهک‌های پایین درآمدی ایجاد کند. بنابراین قرض الحسنه می‌تواند ابزار موثری برای بازداشتن آن دسته از قاچاقچیانی که به دلیل در اختیار نداشتن منابع مالی ارزان، جذب بازار غیر رسمی می‌شوند موثر باشد.

منابع ومآخذ:

قرآن کریم

۱. آقا زاده، علیرضا، بررسی تحلیلی و کاربردی سیاست جنایی ایران در قبال قاچاق کالا، تهران، آثار اندیشه، ۱۳۸۵

۲. عبدالعزیز، افخم زاده، پیامدهای اقتصادی، اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی مصرف کالای خارجی و قاچاق «فرسایش ملی»، اولین جشنواره فراخوان مقالات اقتصاد سالم، ۱۳۸۸

۳. پوران، رضا، بررسی علل،آثار و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی واردات کالاهای قاچاق در ایران، اولین جشنواره فراخوان مقالات اقتصاد سالم.۱۳۸۸

۴. ماجدی، علی و حسن گلریز، پول وبانکداری از نظریه تا سیاستگذاری ، تهران، موسسه بانکداری ایران،۱۳۷۳

۵. توتونچیان، ایرج،چهارمین سمینار بانکداری اسلامی، تهران، وسسه بانکداری ایران، ۱۳۷۲

۶. موسویان ، سید عباس، «آثار اقتصادی جایگزینی نظام مشارکت به جاب نظام بهره»، فصلنامه اقتصاد اسلامی،شماره ۵، ۱۳۸۱

۷. ابراهیمی،محمد حسین، ربا وقرض، دفتر تبلیغات اسلامی،قم.

۸. امام ،خمینی: تحریر الوسیله ، مکتبه العلمیه الاسلامیه

۹. امامی،سید حسین: حقوق مدنی،ابوریحان ،چاپ پنجم،تهران،۱۳۳۴

۱۰. عبداللهی ،محمود: مبانی فقهی اقتصاداسلامی،۱۳۷۱.

۱۱. مجلسی، محمد باقرمحمد تقی:ملاذالاخبار،کتابخانه آیت الله مرعشی،قم:۱۴۰۶ هـ.ق.

۱۲. طوسی،ابوجعفر محمد: النهایه؛ انتشارات قدس محمدی،قم.

۱۳. حبیبیان نقیبی،مجید؛قرض الحسنه وراهبرد های توسعه اقتصادی؛ وزارت اقتصاد و دارایی،چاپ اول ۱۳۸۲

۱۴. هادوی نیا، علی اصغر، قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن ، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸

۱۵. حرّ عاملی،محمد بن الحسن: وسائل الشیعه،داراحیاء التراث العربی،بیروت ـ لبنان.

16. Baghwati.J, Hanson. B, 1973,'A theorical analysis of smuggling', Quarterly jurnal of economics,vol 87

17. Baghwati. J, Srinivansan. T.N, 1974, ' An alternative proof of Baghwati Hansen results on smuggling and welfare, Iligal transition in international trade.